

## ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها

نوع مقاله: ترویجی

محمد عربی<sup>۱</sup>

روح‌اله تولایی<sup>۲</sup>

مهدی فرمانی<sup>۳</sup>

محمد رضا محمدخانی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳

### چکیده

مدیریت صحیح منابع و سرمایه‌ها موجود در کشور و در رأس آن مدیریت دانش و جریان اطلاعات در سطح ملی یکی از اساسی‌ترین عوامل در تحقق مفهوم اقتصاد مقاومتی است. از این رو می‌توان راه رفع اثر تحریم‌های اقتصادی را به‌کارگیری صحیح مفهوم مدیریت دانش در کشور در قالب مدیریت دارایی‌ها و سرمایه‌های فکری و به‌دنبال آن افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها و انتقال و اشتراک دانش در کل سازمان‌ها و ارگان‌ها به‌منظور افزایش بهره‌وری و دستیابی به اقتصاد دانش‌محور دانست. بنابراین هدف از انجام این پژوهش ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. استراتژی پژوهش، از نوع پیمایش بوده است که با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی همزمان روابط بین متغیرهای پژوهش پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، مسئولان و سرپرستان شعب مختلف بانک انصار در سطح شهر تهران بوده است. تعداد ۹۷ نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران ایران  
arabi@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران  
tavallaee@ihu.ac.ir (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران  
mahdi.farmani@ut.ac.ir

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد کارآفرینی، دانشکده پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران  
m\_mohamadkhani@vu.iust.ac.ir

استفاده از دو روش کتابخانه‌ای برای مرور ادبیات پژوهش و روش میدانی برای توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه انجام گرفت. برای سنجش و تأیید روایی پرسشنامه حاضر روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شد. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به‌منظور بررسی داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درون‌زایی بر توجه به سرمایه‌های انسانی و تولید دانش تأثیرگذار است، تولید دانش بر به‌کارگیری دانش و اشتراک دانش تأثیر معنادار دارد، اشتراک دانش بر انعطاف‌پذیری و برون‌نگری تأثیرگذار است، توجه به سرمایه‌های انسانی، به‌کارگیری دانش، انعطاف‌پذیری و برون‌نگری بر اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر معنادار دارد. همچنین، اقتصاد دانش‌بنیان بر توسعه پایدار تأثیرگذار است.

**کلمات کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، مدیریت دانش، معادلات ساختاری، بانک انصار

طبقه‌بندی JEL: E17,G01,G17,G21

## مقدمه

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، با کمترین وابستگی به خارج از کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی است، در شرایطی که صادرات و واردات هیچ‌کدام برای آن کشور مجاز نیست. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها است و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید گردد. در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است. با توجه به شرایط فعلی کشور و استفاده کشورهای دیگر از این ابزار تحریم‌های اقتصادی برای ضربه زدن به اقتصاد کشور توجه به اجرای درست راهبردهای اقتصاد مقاومتی بیش از پیش ضروری می‌نماید (هاشمی، ۱۳۹۷). در بیان مفهوم و اهداف اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت این اقتصاد به‌دنبال راه‌حل مدیریت قبل از بحران است. با وجود تدابیر اندیشیده شده در کشور، احتمال تکرار حوادث و بحران‌ها در سال‌های اخیر زیاد است؛ بنابراین تفکر اقتصاد مقاومتی نه‌تنها شرایط حال را مدنظر قرار می‌دهد بلکه به افق‌های دور دست نیز می‌اندیشد، به همین دلیل سیاست‌های اجرایی مرتبط با حوزه مدیریت بحران نیز باید از بالندگی و پویایی برخوردار باشند تا ظرفیت بازدارندگی کشور در قبال تهدیدات نوظهور افزایش یابد تا بتواند برنامه‌های دشمنان را برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست روبه‌رو کند. سازمان‌های فعلی به‌منظور بقاء، حتی برای یک دهه، باید پیوسته تغییر کنند؛ اما تغییر به‌تنهایی کافی نیست. تغییر باید مبتنی بر جمع‌آوری داده‌هایی مناسب از محیط خارجی و داخلی و تبدیل آن‌ها به دانش باشد (لی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). دانش و قابلیت‌های سازمانی اشکالی از دارایی‌های استراتژیک هستند که اهداف بلندمدت سازمان را از حیث رقابتی و اقتضائات محیطی ارتقاء می‌دهند و در محیط‌های پویا کاربرد استراتژیک دارند. تبدیل دانش ذهنی (ضمنی) به دانش ثبت شده رسمی (صریح)، یکی از اهداف کلیدی مدیریت دانش است که باعث کاهش ریسک از دست رفتن دانش با ارزش سازمان به‌واسطه‌ی افت کارکنان و نیز کاهش خطر از دست دادن حافظه‌ی سازمان به‌هنگام تعدیل نیروی انسانی می‌شود. در این میان مدیریت دانش به تلاش‌هایی اشاره دارد که به‌طور نظام‌مند برای یافتن، ساماندهی و قابل دسترس نمودن سرمایه‌های نامشهود سازمان، تقویت فرهنگ یادگیری مستمر و تسهیم دانش در سازمان صورت می‌گیرد. بسیاری از سازمان‌ها با تمرکز بر مدیریت دانش و سرمایه‌گذاری گسترده در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات به‌دنبال دسترسی به

---

<sup>1</sup> Li

مزایای حاصل از مدیریت دانش هستند (آنسیس‌موا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

مدیریت صحیح منابع و امکانات موجود در کشور و در رأس آن مدیریت دانش و جریان اطلاعات در سطح ملی یکی از اساسی‌ترین عوامل در تحقق مفهوم اقتصاد مقاومتی است. از این رو می‌توان راه برون‌رفت از تحریم‌های اقتصادی را به‌کارگیری صحیح مفهوم مدیریت دانش در کشور در قالب مدیریت دارایی‌ها و سرمایه‌های فکری و به‌دنبال آن افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها و انتقال و اشتراک دانش در کل سازمان‌ها و ارگان‌ها به‌منظور افزایش بهره‌وری و دستیابی به اقتصاد دانش‌محور دانست. در راستای تأکید بر بند دوم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در رابطه با مدیریت دانش، فراهم کردن بستر استفاده از مدیریت دانش نیازمند بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن و روش‌های ثبت، استفاده و تحلیل اطلاعات حاصله از آن است؛ و با جویا شدن نظر خبرگان در این زمینه دستیابی به مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش تأثیر به‌سزایی در پیاده‌سازی سیاست‌های مدیریت دانش می‌تواند داشته باشد. با توجه به اهمیت بانک‌ها در وضعیت اقتصادی هر کشور در این پروژه نگارنده با بررسی بندهای اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با مدیریت دانش در حوزه‌ی بانکی مدلی را شکل می‌دهد. با توجه به اینکه مفهوم اقتصاد مقاومتی طی چند سال اخیر مطرح شده است، پتانسیل بسیاری جهت اعمال و بررسی مفاهیم مختلف در ارتباط با آن وجود دارد؛ و با اینکه در راستای پیروی از فرمایشات مقام معظم رهبری التزامی برای تحقیق و تفحص در این زمینه وجود دارد، بسیاری از مفاهیم از جمله مدیریت دانش در زمینه‌های بانکی آن‌گونه که می‌بایست مورد توجه قرار نگرفته‌اند. از این رو هدف از انجام این پژوهش ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعمیق و گسترش اقتصاد مقاومتی بدون درک درست و دقیق از پتانسیل‌های داخلی اقتصاد کشور و اتخاذ سیاست‌های سنجیده و بهینه در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله نظام بانکی قابل دستیابی نیست (حسین‌زاده و نباتی، ۱۳۹۷). اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های وارده بر اقتصاد را دارد. این شوک‌های اقتصادی می‌تواند ناشی از عوامل درونی یا عوامل بیرونی اقتصاد باشد (هاشمی، ۱۳۹۷). بی شک هدف از اقتصاد مقاومتی، بازسازی و احیای اقتصاد ملی است (خالقی، ۱۳۹۵). در واقع اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل گرفته است تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های

<sup>1</sup> Anisimova

گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. در بحث اقتصاد مقاومتی چهار دیدگاه وجود دارد. اولین دیدگاه، اقتصاد موازی است. اقتصاد موازی به ایجاد نهادهای موازی با رویکرد انقلابی و جهادی اشاره دارد. دومین دیدگاه، اقتصاد ترمیمی است. این رویکرد در پی ساختارها و نهادهای فرسوده و ترمیم و خلل‌گیری، آسیب‌زایی، مقاوم‌سازی ناکارآمد اقتصادی است. سومین دیدگاه، اقتصاد دفاعی است. این اقتصاد به تدوین شیوه‌های برخورد پیش‌گیرنده در مقابل حملات اقتصادی دشمن اشاره دارد. چهارمین دیدگاه، اقتصاد الگو است. در این دیدگاه برخلاف دیدگاه‌های دیگر که اقتصاد مقاومتی را با دیدی کوتاه‌مدت بررسی می‌کردند؛ چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و اقتصاد مقاومتی را رویکردی بلندمدت می‌داند (فخرپور و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از مسائل مورد تأکید مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، توجه به مسائل اقتصادی کشور است. همچنین در ایران اسلامی که از سویی اقتصاد آن بر پایه پول استوار است، بازار پولی حدود ۶۰ درصد از آن و بازار سرمایه حدود یک سوم از سهم اقتصاد، را تشکیل می‌دهد؛ و از سویی دیگر از آن جایی که بانک و بانکداری به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد و جاری‌کننده خون در رگ‌های اقتصاد جامعه در حکومت اسلامی باید کاملاً منطبق با موازین اسلام اداره شود تا پایه و اساس اقتصاد اسلامی باشد، توجه به بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حسینی و نیلچی، ۱۳۹۷).

اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به‌طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. واژه‌ی اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد اطلاعات در دهه‌ی ۱۹۶۰ وارد ادبیات اقتصاد آمریکا شد اما تحولات دهه‌ی ۹۰ این واژه را تجدید و احیا نمود. هرچند سازمان اقتصادی همکاری و توسعه تلاش‌های زیادی برای شاخص‌سازی در زمینه‌ی اقتصاد دانش‌پایه انجام داد ولی تا سال ۱۹۹۵ به جمع‌بندی کاملی نرسید تا اینکه در همین سال برای اولین بار چارچوب مدونی از واژه اقتصاد دانش‌بنیان در قالب سند وزارتی کمیته سیاست‌گذاری علم و فناوری کانادا منتشر شد. این سند تعیین‌کننده جایگاه مدل‌های رشد و عملکرد ابداعات در اقتصاد بوده است. از این دهه به بعد تلاش‌های بسیار گسترده‌ای در گسترش، تقویت و تلفیق مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان انجام شد و مرزهای اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصاد تولیدمحور روشن گردید (اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). از این منظر اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به‌طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در اقتصاد دانش‌بنیان دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته فعالیت‌ها است. بر اساس این تعریف، اقتصاد دانش‌بنیان تنها به تعداد محدودی صنایع

<sup>1</sup> Smith

مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد، تمامی فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است (داهلمن و اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). همچنین الزامات توسعه‌ی اقتصاد دانش‌بنیان تنها متکی به فناوری محض نبوده و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را در نیز در برمی‌گیرد (شعبانی و عبدالملکی، ۱۳۹۰).

دانش شامل حقایق و باورها، دیدگاه‌ها و مفهومی‌ها، انتظارات و داوری‌ها، روش‌شناسی‌ها و دانستن چگونگی‌ها است (فرناندز و سابهروال<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). همچنین دانش، وسیع‌تر و غنی‌تر از داده‌ها و اطلاعات است. دانش مجموعه‌ای سیان از علم، تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات جهت داده شده که درکی ایجاد کند و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات، تجزیه و تحلیل رویدادها، اطلاعات جدید و نحوه روبرو شدن با وقایع به دست می‌دهد (هسیا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). دانش اساسی‌ترین عنصر و یک منبع کلیدی استراتژیک برای دستیابی به دارایی‌ها و قابلیت‌های نامشهود سازمان‌ها بوده (کائو و زیانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲) و اهمیت آن برای موفقیت سازمان به‌طور گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده است (شرودر و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲)، به‌گونه‌ای که نقش آن به‌عنوان منبع اصلی ایجاد درآمد پایدار و خلق ارزش غیرقابل انکار شده است (کورتز و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). دانش به‌عنوان اساس و مهم‌ترین عامل رقابت مطرح شده است (وانگ و وو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶).

نگرش دانش‌بنیان سازمان، توانایی به‌کارگیری دانش افراد برای انجام وظایف را مبنایی برای خلق مزیت رقابتی می‌داند (لیندز و والد<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱). دستیابی به این مزیت از طریق مدیریت دانش امکان‌پذیر است (الزیات و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). مرکز بهره‌وری و کیفیت امریکا مدیریت دانش را به‌عنوان مجموعه‌ای نوظهور از استراتژی‌ها و رویکردها برای ایجاد، حفظ و استفاده از دارایی‌های دانشی تعریف نموده است که دانش را در زمان مناسب، در اختیار افراد مناسب قرار می‌دهد تا بتوانند از آن ارزش بیشتری برای سازمان ایجاد کنند (صالحی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲). مدیریت دانش سازمانی، بسته‌ای نظام مند از فلسفه‌ی فکری، اهداف، استراتژی‌ها، زیرساخت‌ها، فرآیندها، و ساز و کارهای دانشی است که به‌منظور حداکثرسازی منافع و بهبود عملکرد کسب و کار، طراحی و اجرا

<sup>1</sup> Dahlman & Anderson

<sup>2</sup> Fernandez & Sabherwal

<sup>3</sup> Hsiao et al.

<sup>4</sup> Cao & Xiang

<sup>5</sup> Schroeder et al.

<sup>6</sup> Claver-Cortes et al.

<sup>7</sup> Wang & Wu

<sup>8</sup> Lindner & Wald

<sup>9</sup> Al-Zayyat et al.

<sup>10</sup> Salehi et al.

می‌گردد (شامی زنجانی و نوری، ۱۳۹۴). بنابراین مدیریت دانش مجموعه فعالیت‌ها، ابتکارها و استراتژی‌هایی است که شرکت‌ها برای تولید، ذخیره، انتقال و به‌کارگیری دانش به‌منظور بهبود عملکرد سازمانی به‌کار می‌برند (دوناته و دیپابلو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

همچنان که گفته شد؛ در همه مدل‌ها یک چارچوب مشترک وجود دارد که در واقع از تجربیات گذشته استفاده کرده و مکانیزم‌های جدیدی را برای تولید و تبادل دانش به‌کار برد (کاکابادسه و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). بر این اساس، فرآیندهای مدیریت دانش سه مرحله عمده خلق؛ تبادل و اشتراک و انتقال و کاربرد دانش را شامل می‌شود. فرآیند خلق دانش شامل چندین مرحله می‌شود که با جمع‌آوری دانش موجود شروع می‌شود و از مراحل کدگذاری و طبقه‌بندی دانش عبور می‌کند با فرآیندهای ذخیره‌سازی پایان می‌یابد. فرآیندهای خلق دانش در نتیجه دانش با ویژگی‌های مشابه که به هم مربوط گردیده و در یک گروه قرار دارند، است. این امر می‌تواند بر تشکیل یک پایگاه دانش مؤثر باشد که می‌تواند به‌عنوان یک نقطه محرک برای الهام خلاق باشد (نوناکا و تاگوچی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). خلق دانش فرآیندی بی‌پایان است که شامل خلق ایده‌های جدید، شناخت الگوهای تازه و ترکیب قواعد جدا از یکدیگر و ایجاد فرآیندهای جدید به‌منظور ایجاد و خلق دانش است. خلق دانش، فرآیندهایی است که مدیران و کارکنان برای انجام فعالیت‌های سازمان، دانش مورد نیاز خود را در داخل سازمان خلق و کشف می‌کنند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). حساس‌ترین مرحله انتقال و اشتراک دانش است، که طی آن یک سازمان، اطلاعات و دانش را میان افراد و پایگاه‌های دانش خود توزیع نموده و از این طریق یادگیری و کسب دانش خود را ارتقاء داده و دانش با درک جدیدی را به‌وجود می‌آورد. فرآیند به اشتراک‌گذاری دانش کلیدی به‌منظور افزایش انتقال و انتشار دانش است (بیاستی و هبا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). هدف غایی مدیریت دانش، کاربرد دانش برای بهبود عملکرد و فعالیت‌های سازمانی است. بسیاری از صاحب‌نظران این مرحله از مدیریت دانش را مهم‌ترین گام در فرآیند مدیریت دانش می‌دانند. کاربرد دانش و فرآیند نوآوری نشان‌دهنده مرحله تصمیم‌گیری است. هدف اساسی این مرحله برای تحقق بخشیدن به ارزش دانش و ایجاد ثروت جدید و انتقال فوری دانش به محل کار است (چن و خو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹).

پس از بررسی مفاهیم نظری، در این بخش پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد: حجازی نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر

<sup>1</sup> Donate & dePablo

<sup>2</sup> Kakabadse et al.

<sup>3</sup> Nonaka & Takeuchi

<sup>4</sup> Biasutti & Heba

<sup>5</sup> Chen & Xu

موفقیت مدیریت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی" به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش در شرایط اقتصاد مقاومتی به‌منظور کاهش عدم تقارن اطلاعات پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۱۰ نفر از متخصصین حوزه مدیریت دانش و اقتصاد انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد متغیرهای مطرح شده به چهار گروه کلی عوامل اجتماعی، سازمانی، انسانی و فنی تقسیم‌بندی شدند. همچنین به‌طور کلی عوامل سازمانی بیشترین اهمیت و عوامل اجتماعی کمترین اهمیت را دارا هستند که در این بین عوامل انسانی و عوامل فنی قرار گرفتند. حسین‌پور و صدیقی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی" به بررسی پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۶۰ نفر از کارآفرینان و صنعت‌گران شهرستان هشتروند انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی دارای رابطه مثبت و معنادار است. همچنین مدیریت جهادی، با فراگردهای اصلی احساس مسئولیت، رعایت تقوا، فرهنگ کاری و وجدان کاری، همبستگی بالاتری را با اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مدیریت دانش از خود نشان داد. استیری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر و نقش فناوری اطلاعات و توسعه مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی" به بررسی پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۸۴ نفر از فعال اقتصادی بسیج سازندگی استان خراسان رضوی انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد کاهش وابستگی به کشورهای بیگانه و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که مؤلفه اشتراک دانش در مدیریت دانش، و همچنین فرآیندهای کسب اطلاعات در فناوری اطلاعات، بر تمامی مؤلفه‌های شش‌گانه اقتصاد مقاومتی (استفاده از ظرفیت‌ها، توسعه اقتصادی، حمایت از تولید ملی، اقتصاد دانش‌بنیان، مدیریت منابع طبیعی و کاهش وابستگی به کشورهای بیگانه) تأثیر به‌سزایی دارند. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی با عنوان ارائه مدل پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها صورت نگرفته است. با توجه به شواهد موجود، در مورد اهمیت نظری این پژوهش و کمبود پژوهش در این حوزه، می‌توان بر این نکته تأکید نمود که این پژوهش در این مقطع زمانی و مکانی خود یکی از اولین پژوهش‌هاست. مرور ادبیات پژوهش در زمینه عوامل کلیدی مدیریت دانش و اصول مقاومتی نشان می‌دهد پژوهش‌های اندکی در مورد آن صورت گرفته است. به نظر می‌رسد انجام یک مطالعه در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین با بررسی بندهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با مدیریت دانش در زمینه بانکی و استفاده از نظر خبرگان و اعمال نظر ایشان در این زمینه و در نهایت استفاده از نظر کارکنان می‌تواند ابعاد مختلف عنوان پژوهش را بررسی نماید. با توجه به کثرت مؤلفه‌های مستخرج شده، از میان مؤلفه‌های مدیریت دانش در شرایط اقتصاد مقاومتی، ۹

گروه کلی تولید دانش، اشتراک دانش، به‌کارگیری دانش، برون‌نگری، درون‌زایی، اقتصاد دانش‌بنیان، توجه به سرمایه‌های انسانی، توسعه پایدار و انعطاف‌پذیری برای انجام گام اصلی پژوهش انتخاب گردیدند.

جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مدل

ردیف	مقوله‌ها	شاخص‌های تأثیرگذار بر مدل	منبع
۱	تولید دانش	یادگیری از اشتباهات	نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)
۲		تولید ایده خلاقانه و نوآورانه	
۳		توجه به نظریه‌ها و ایده‌های جدید	
۴		سامانه مدیریت ایده همچون نظام پیشنهادات و اتاق فکر	
۵		پرورش دانش (تبدیل دانش ضمنی به دانش آشکار)	
۶		سیستم‌های اطلاعاتی	
۷		چشم‌انداز و استراتژی حوزه دانش	
۸	اشتراک دانش	تسهیم دانش و تجربیات افراد با همکاران	نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)
۹		تشویق کارکنان در تسهیم و به اشتراک‌گذاری دانش	
۱۰		امکانات حوزه دانش	
۱۱		کار تیمی	
۱۲		اعتماد بین اعضا	
۱۳		تبادل نظر اعضا	
۱۴	به‌کارگیری دانش	به‌کارگیری تجارب پیشین	نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)
۱۵		حلقه‌های بازخورد بین رفتار کارکنان و نتایج آن در سازمان	
۱۶		بهره‌مندی از دانش	
۱۷		شناسایی و حفظ کارکنان کلیدی	
۱۸		استفاده از دانش در تصمیم‌گیری	
۱۹	برون‌نگری	صادرات خدمات بانکی به خارج از کشور	بریگیو و پیکینینو (۲۰۰۹)
۲۰		حمایت از صنایع صادراتی	
۲۱	درون‌زایی	کاهش واردات تکنولوژی‌های بانکی (سخت‌افزار و نرم‌افزار)	سیف (۱۳۹۲) تاری و کاویانی (۱۳۹۲) میرمعزی (۱۳۹۱)
۲۲		حمایت از صنایع داخلی	
۲۳		مدیریت نقدینگی	
۲۴		افزایش بهره‌وری اقتصادی	

ردیف	مقوله‌ها	شاخص‌های تأثیرگذار بر مدل	منبع
۲۵		مصرف کالای ابرانی	
۲۶	اقتصاد دانش‌بنیان	کارآفرینی و توجه به آن	مدیکا و رگیانی (۲۰۱۵)
۲۷		بازار دارایی فکری	اشبی و همکاران (۲۰۰۸)
۲۸		استفاده از فناوری‌های نوین	فشاری (۱۳۹۳)
۲۹		توجه به نخبگان و خبرگان دانشی	وثوقی و مرادی (۱۳۹۱)
۳۰		نوآوری و شکوفایی	
۳۱	توجه به سرمایه‌های انسانی	توجه به تقویت و تحکیم ارتباطات درون و مابین گروهی (سرمایه اجتماعی)	بریگیو و پیکینینو (۲۰۰۹)
۳۲		عدالت‌محوری	فشارکی و پورعبدی (۱۳۹۳)
۳۳		استفاده از ظرفیت‌های ملی	جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)
۳۴		اشتغال‌زایی	میرمعزی (۱۳۹۱)
۳۵		نظارت و ارزشیابی مناسب در تمامی سطوح	
۳۶	توسعه پایدار	صرفه‌جویی در منابع و اصلاح الگوی مصرف	دولت آبادی (۲۰۱۵)
۳۷		استفاده مناسب از ذخایر نفت و گاز	پانت و همکاران (۲۰۱۴)
۳۸		حکمرانی مطلوب یا سیستم مدیریتی مطلوب	داگلاس (۲۰۱۳)
۳۹		افزایش تولید منابع انرژی تجدیدپذیر	قینتان و همکاران (۲۰۱۱)
۴۰		کنترل تورم	اسدی (۱۳۹۳)
۴۱		مبارزه با فساد اقتصادی همچون پارتی‌بازی و رانت اداری	حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲)
۴۲		بهینه‌سازی سیستم بانکی و مدیریت صحیح منابع مالی و ارزی	
۴۳	انعطاف‌پذیری	استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات	خانباشی (۱۳۹۳)
۴۴		برنامه‌ریزی هدفمند و پرهیز از توجه به مسائل حاشیه‌ای	هزاوئی و زیرکی حیدری (۱۳۹۳)
۴۵		جذب سپرده	
۴۶		مدیریت ریسک اعتباری	فشاری (۱۳۹۳)
۴۷		استفاده از تکنولوژی‌های به روز	باقری و تقوی (۱۳۹۳)
۴۸		کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در دوران رکود	
۴۹		مدیریت مناسب در مواجهه با بحران‌های اقتصادی	
۵۰		اصلاح ساختار دولتی و بانکی	

منبع: یافته‌های پژوهش

از این رو فرضیه‌های پژوهش تدوین گردیده و در قسمت زیر ارائه شده است.

فرضیه اول: بین مؤلفه‌های درون‌زایی و توجه به سرمایه انسانی رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه دوم: بین مؤلفه‌های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه سوم: بین مؤلفه درون‌زایی و تولید دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه چهارم: بین مؤلفه تولید دانش و به‌کارگیری دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه پنجم: بین مؤلفه به‌کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه ششم: بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

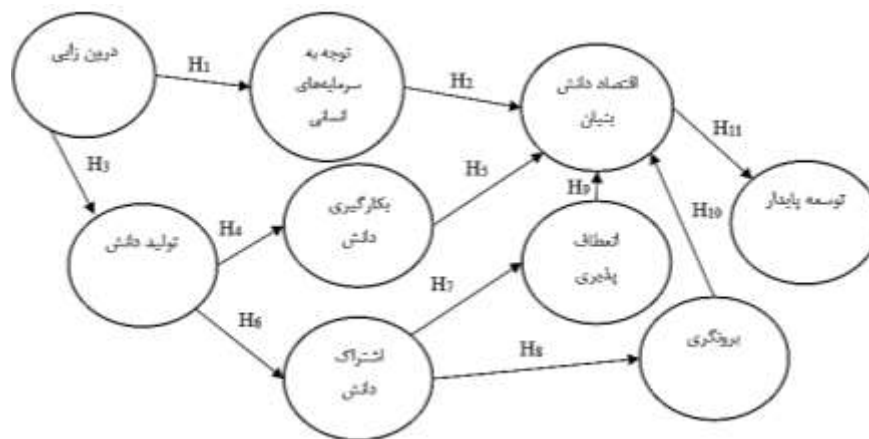
فرضیه هفتم: بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه هشتم: بین مؤلفه اشتراک دانش و برون‌نگری رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه نهم: بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه دهم: بین مؤلفه‌های برون‌نگری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه یازدهم: بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری برقرار است. مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل و چارچوب مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

منبع: یافته‌های پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. استراتژی پژوهش، از نوع پیمایش بوده است که با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی هم‌زمان روابط بین متغیرهای پژوهش پرداخته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، مسئولان و سرپرستان شعب مختلف بانک انصار در سطح شهر تهران بوده است. تعداد ۹۷ نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای برای مرور ادبیات پژوهش و روش میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه) انجام گرفت. پرسشنامه‌ها در شعب بانک انصار به صورت حضوری توزیع گردید. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته‌ای شامل ۵۰ سؤال بسته پاسخ پنج ارزشی استفاده شد. همچنین چهار سؤال برای سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات و میزان تجربه فعالیت) تدوین شد. برای سنجش و تأیید روایی پرسشنامه حاضر روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شد، به‌منظور روایی محتوا تعدادی پرسشنامه بین اساتید دانشگاهی و افراد خبره توزیع شد و از منطقی بودن، قابل فهم بودن سؤالات و تناسب متغیرها اطمینان حاصل شد و همین‌طور از نظرات خبرگان جهت بهبود پرسش‌های پرسشنامه استفاده شد. به‌منظور روایی سازه از تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری استفاده گردید. همه گویه‌ها به جز گویه شماره ۲۱، ۴۵ و ۴۷ دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ لذا این گویه‌ها حذف و مجدداً تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت که همه گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده

است. همچنین، به منظور روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی مرکب (CR) محاسبه شد. شاخص پایایی مرکب بر طبق نظر بایرن (۲۰۱۳) باید بالاتر از ۰/۷ باشد، تا اعتبار سازه بالا باشد و بین ۰/۶ تا ۰/۷ قابل قبول است. همچنین، میانگین واریانس استخراج شده نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۵ باشد اعتبار سازه بالا است و بین ۰/۴ تا ۰/۵ مورد قبول است و شرط دیگر آن بزرگتر بودن پایایی مرکب از میانگین واریانس استخراج شده است که نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، این ضریب برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۵۲ بوده است و برای هر یک از متغیرهای پژوهش به صورت مجزا محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همانطور که نتایج ضریب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد، پرسشنامه مورد نظر از پایایی مناسبی برخوردار است. به منظور بررسی داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شده است. در این پژوهش در مرحله اول از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، برای آزمون فرضیه‌ها موجود با استفاده از آزمون کای-دو تک نمونه‌ای (مجذور کای تک متغیره)، همچنین از آنالیز رگرسیون و واریانس برای به دست آوردن روابط بین متغیرها و میزان تأثیر آن‌ها بر یکدیگر استفاده گردید.

#### جدول ۲. بار عاملی گویه‌های پژوهش

شماره گویه	بار عاملی	شماره گویه	بار عاملی	شماره گویه	بار عاملی	شماره گویه	بار عاملی
گویه ۱	۰,۶۴۳	گویه ۱۴	۰,۶۵۴	گویه ۲۷	۰,۷۳۶	گویه ۴۰	۰,۶۲۳
گویه ۲	۰,۷۸۲	گویه ۱۵	۰,۶۰۴	گویه ۲۸	۰,۶۰۶	گویه ۴۱	۰,۷۲۸
گویه ۳	۰,۸۹۲	گویه ۱۶	۰,۷۹۶	گویه ۲۹	۰,۸۰۸	گویه ۴۲	۰,۶۸۴
گویه ۴	۰,۶۷۱	گویه ۱۷	۰,۸۸۰	گویه ۳۰	۰,۸۴۲	گویه ۴۳	۰,۸۵۴
گویه ۵	۰,۶۵۴	گویه ۱۸	۰,۹۴۸	گویه ۳۱	۰,۷۹۴	گویه ۴۴	۰,۸۹۰
گویه ۶	۰,۷۶۰	گویه ۱۹	۰,۷۸۰	گویه ۳۲	۰,۷۵۶	گویه ۴۵	حذف
گویه ۷	۰,۶۵۸	گویه ۲۰	۰,۸۵۸	گویه ۳۳	۰,۶۹۶	گویه ۴۶	۰,۶۴۳
گویه ۸	۰,۸۸۷	گویه ۲۱	حذف	گویه ۳۴	۰,۸۲۸	گویه ۴۷	حذف
گویه ۹	۰,۷۷۱	گویه ۲۲	۰,۸۷۳	گویه ۳۵	۰,۷۸۰	گویه ۴۸	۰,۸۸۷
گویه ۱۰	۰,۶۶۱	گویه ۲۳	۰,۹۰۲	گویه ۳۶	۰,۹۵۲	گویه ۴۹	۰,۷۷۱
گویه ۱۱	۰,۶۷۴	گویه ۲۴	۰,۶۱۵	گویه ۳۷	۰,۶۳۸	گویه ۵۰	۰,۶۶۱
گویه ۱۲	۰,۸۲۶	گویه ۲۵	۰,۷۴۹	گویه ۳۸	۰,۸۲۷		
گویه ۱۳	۰,۶۱۲	گویه ۲۶	۰,۶۵۷	گویه ۳۹	۰,۸۶۲		

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. آلفای کرونباخ و روایی همگرا

متغیر	آلفای کرونباخ	CR	AVE	تعداد گویه‌ها
تولید دانش	۰/۷۸۴	۰/۷۷۶	۰/۵۴۴	۷
اشتراک دانش	۰/۷۵۷	۰/۷۴۶	۰/۵۶۲	۴
به‌کارگیری دانش	۰/۷۰۰	۰/۷۲۲	۰/۶۳۹	۵
برون‌نگری	۰/۷۹۵	۰/۸۱۱	۰/۸۳۶	۲
درون‌زایی	۰/۷۵۰	۰/۷۸۸	۰/۷۰۲	۳
اقتصاد دانش‌بنیان	۰/۷۱۴	۰/۷۳۱	۰/۵۰۴	۵
توجه به سرمایه انسانی	۰/۷۶۶	۰/۷۶۱	۰/۵۸۹	۴
توسعه پایدار	۰/۸۴۰	۰/۸۶۷	۰/۵۷۰	۷
انعطاف‌پذیری	۰/۸۳۵	۰/۸۳۹	۰/۵۶۸	۶
مجموع	۰/۹۵۲			۴۷

منبع: یافته‌های پژوهش

تحقق روایی واگرا نشان می‌دهد که سازه منحصر به فرد است و پدیده احاطه شده به وسیله سایر سازه‌های مدل نشان داده نمی‌شود. این روایی توسط معیار فورنل-لاکر بررسی می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر مؤلفه‌ها روی قطر اصلی همبستگی این سازه‌ها با سایر متغیرهای مکنون در مدل بالاتر است.

جدول ۴. ماتریس سنجش روایی واگرا به روش معیار فورنل-لارکر

انعطاف پذیری	توسعه پایدار	توجه به سرمایه انسانی	اقتصاد دانش بنیان	درون زایی	برون نگری	به کارگیری دانش	اشتراک دانش	تولید دانش	
								۰/۶۶۴	تولید دانش
							۰/۶۸۰	۰/۵۶۲	اشتراک دانش
						۰/۶۲۴	۰/۴۷۲	۰/۳۵۷	به کارگیری دانش
					۰/۹۱۴	۰/۲۳۵	۰/۷۰۶	۰/۴۳۵	برون نگری
				۰/۸۳۸	۰/۱۷۹	۰/۷۱۵	۰/۵۲۷	۰/۳۸۶	درون زایی
			۰/۷۱۰	۰/۸۷۰	۰/۴۲۱	۰/۸۱۵	۰/۶۵۰	۰/۳۸۳	اقتصاد دانش بنیان
		۰/۷۶۸	۰/۷۷۶	۰/۸۶۰	۰/۴۳۲	۰/۶۳۲	۰/۶۹۰	۰/۲۶۳	توجه به سرمایه انسانی
	۰/۷۵۵	۰/۷۶۸	۰/۸۰۴	۰/۷۴۱	۰/۵۳۳	۰/۶۰۶	۰/۷۳۰	۰/۲۲۹	توسعه پایدار
۰/۷۵۴	۰/۷۷۶	۰/۷۳۲	۰/۷۵۹	۰/۸۵۶	۰/۳۱۷	۰/۵۷۶	۰/۵۱۵	۰/۴۳۸	انعطاف پذیری

منبع: یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های پژوهش ارائه شده است. به این منظور ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری و سپس نیز یافته‌های اصلی پژوهش ارائه شده است.

## جدول ۵. ویژگی‌های جمعیت شناختی اعضای نمونه آماری

متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۷۶	۷۸,۴
	زن	۲۱	۲۱,۶
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۱۳	۱۳,۴
	۲۶ تا ۳۰ سال	۴۹	۵۰,۵
	۳۱ تا ۳۵ سال	۱۴	۱۴,۵
	۳۵ سال و بالاتر	۲۱	۲۱,۶
تحصیلات	کاردانی و پایین تر	۹	۹,۳
	کارشناسی	۵۵	۵۶,۷
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۳	۳۴
میزان تجربه فعالیت	۵ سال و کمتر	۵۵	۵۶,۸
	۶ تا ۱۰ سال	۲۱	۲۱,۶
	بیشتر از ۱۰ سال	۲۱	۲۱,۶

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون کولمگروف اسمیرنوف برای داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سطح معناداری برای داده‌ها برابر است صفر و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵، فرض صفر رد شده و توزیع داده‌ها نرمال ناست. نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف برای متغیرها در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

## جدول ۶. نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف برای متغیرها

شماره گویه	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	شماره گویه	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
گویه ۱	۰,۴۱۲	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۲۶	۰,۲۵۹	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲	۰,۲۱۱	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۲۷	۰,۳۸۲	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۳	۰,۳۶۱	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۲۸	۰,۲۰۷	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۴	۰,۳۱۶	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۲۹	۰,۳۱۹	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۵	۰,۳۷۰	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۰	۰,۳۸۰	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۶	۰,۳۳۱	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۱	۰,۲۸۳	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۷	۰,۳۲۱	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۲	۰,۲۶۴	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۸	۰,۲۷۵	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۳	۰,۱۸۴	۹۷	۰,۰۰۰

شماره گویه	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	شماره گویه	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
گویه ۹	۰,۲۲۶	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۴	۰,۲۱۵	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۰	۰,۳۹۳	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۵	۰,۳۲۱	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۱	۰,۳۳۵	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۶	۰,۲۶۷	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۲	۰,۴۸۸	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۷	۰,۲۱۰	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۳	۰,۲۸۳	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۸	۰,۳۸۸	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۴	۰,۲۲۸	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۳۹	۰,۲۵۷	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۵	۰,۲۵۸	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۰	۰,۴۰۰	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۶	۰,۳۰۸	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۱	۰,۲۷۳	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۷	۰,۲۱۷	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۲	۰,۲۸۵	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۸	۰,۲۷۰	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۳	۰,۳۳۹	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۱۹	۰,۳۰۰	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۴	۰,۱۸۸	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲۰	۰,۲۹۵	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۶	۰,۲۸۵	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲۲	۰,۲۸۵	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۸	۰,۲۹۹	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲۳	۰,۲۵۸	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۴۹	۰,۲۴۴	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲۴	۰,۲۶۹	۹۷	۰,۰۰۰	گویه ۵۰	۰,۲۱۸	۹۷	۰,۰۰۰
گویه ۲۵	۰,۲۶۷	۹۷	۰,۰۰۰				

منبع: یافته‌های پژوهش

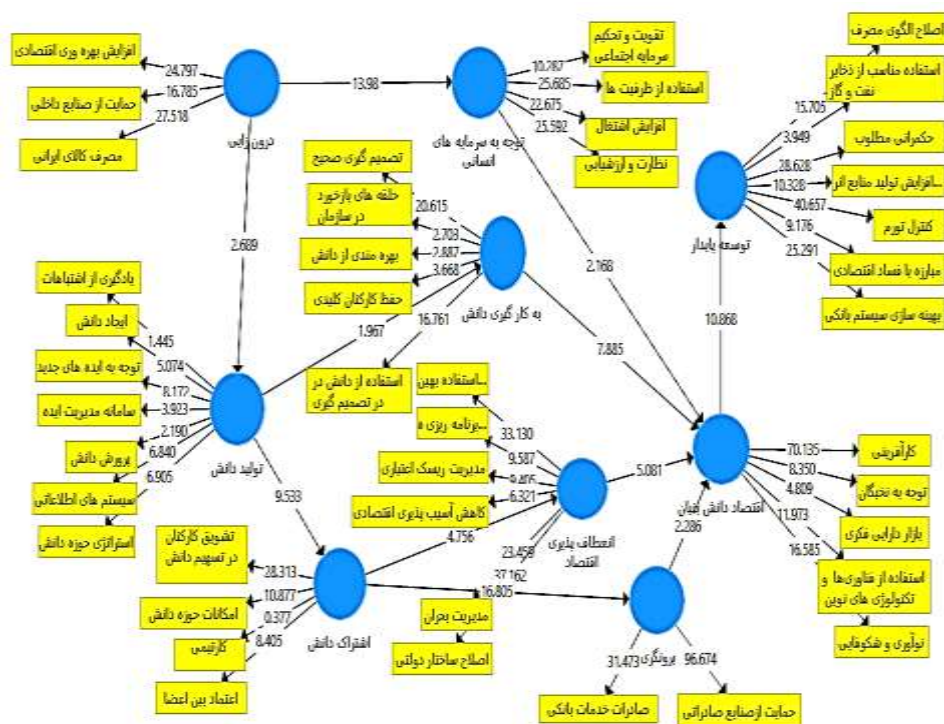
در پژوهش حاضر برای تعیین تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بر مدل از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقوله‌هایی که آماره آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است، بر مدل تأثیرگذار نیستند؛ بنابراین گویه‌های ۸، ۱۳، ۲۳ و ۳۲ به ترتیب با سطح معناداری ۰,۲۲۳، ۰,۲۲۳، ۱,۰۰۰ و ۰,۳۱۳ بر مدل تأثیرگذار نبوده و فرض صفر برای آنها تأیید می‌شود. در نتیجه از محاسبات مدل حذف می‌شوند. نتایج آزمون دوجمله‌ای در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون دوجمله‌ای

شمار ه گویه	گروه ه ۱	فرآوانی مشاهد ه شده	احتمال مشاهد ه شده	سطح معنادار ی	شمار ه گویه	گروه ه ۱	فرآوانی مشاهد ه شده	احتمال مشاهد ه شده	سطح معنادار ی
گویه ۱	گروه ۱	۶۲	۰,۶۴	۰,۰۰۰	گویه ۲۶	گروه ۱	۷۶	۰,۷۸	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۳۵	۰,۳۶			گروه ۲	۲۱	۰,۲۲	
گویه ۲	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰	گویه ۲۷	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۱۴	۰,۱۴			گروه ۲	۱۴	۰,۱۴	
گویه ۳	گروه ۱	۹۰	۰,۹۳	۰,۰۰۰	گویه ۲۸	گروه ۱	۶۹	۰,۷۱	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۷	۰,۰۷			گروه ۲	۲۸	۰,۲۹	
گویه ۴	گروه ۱	۹۰	۰,۹۳	۰,۰۰۰	گویه ۲۹	گروه ۱	۷۴	۰,۷۶	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۷	۰,۰۷			گروه ۲	۲۳	۰,۲۴	
گویه ۵	گروه ۱	۹۰	۰,۹۳	۰,۰۰۰	گویه ۳۰	گروه ۱	۹۷	۱,۰۰	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۷	۰,۰۷						
گویه ۶	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰	گویه ۳۱	گروه ۱	۸۴	۰,۸۷	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۱۴	۰,۱۴			گروه ۲	۱۳	۰,۱۳	
گویه ۷	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰	گویه ۳۲	گروه ۱	۵۷	۰,۵۹	۰,۳۱۳
	گروه ۲	۱۴	۰,۱۴			گروه ۲	۴۰	۰,۴۱	
گویه ۸	گروه ۱	۵۵	۰,۵۷	۰,۲۲۳	گویه ۳۳	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۴۲	۰,۴۳			گروه ۲	۱۴	۰,۱۴	
گویه ۹	گروه ۱	۶۲	۰,۶۴	۰,۰۰۰	گویه ۳۴	گروه ۱	۷۶	۰,۷۸	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۳۵	۰,۳۶			گروه ۲	۲۱	۰,۲۲	
گویه ۱۰	گروه ۱	۹۰	۰,۹۳	۰,۰۰۰	گویه ۳۵	گروه ۱	۶۹	۰,۷۱	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۷	۰,۰۷			گروه ۲	۲۸	۰,۲۹	
گویه ۱۱	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰	گویه ۳۶	گروه ۱	۵۸	۰,۵۹	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۱۴	۰,۱۴			گروه ۲	۳۹	۰,۳۱	
گویه ۱۲	گروه ۱	۹۷	۱,۰۰	۰,۰۰۰	گویه ۳۷	گروه ۱	۶۷	۰,۶۹	۰,۰۰۰
	گروه ۲					گروه ۲	۳۰	۰,۳۱	
گویه ۱۳	گروه ۱	۵۵	۰,۵۷	۰,۲۲۳	گویه ۳۸	گروه ۱	۸۳	۰,۸۶	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۴۲	۰,۴۳			گروه ۲	۱۴	۰,۱۴	
گویه ۱۴	گروه ۱	۷۶	۰,۷۸	۰,۰۰۰	گویه ۳۹	گروه ۱	۶۵	۰,۶۷	۰,۰۰۰
	گروه ۲	۲۱	۰,۲۲			گروه ۲	۳۲	۰,۳۳	
گویه ۱۵	گروه ۱	۶۹	۰,۷۱	۰,۰۰۰	گویه ۴۰	گروه ۱	۹۷	۱,۰۰	۰,۰۰۰

				۴۰		۰,۲۹	۲۸	گروه ۲	۱۵
۰,۰۰۰	۰,۵۷	۵۵	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	گروه ۱	گوبه
	۰,۴۳	۴۲	گروه ۲	۴۱		۰,۲۹	۲۸	گروه ۲	۱۶
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	گروه ۱	گوبه
	۰,۲۲	۲۱	گروه ۲	۴۲		۰,۲۹	۲۸	گروه ۲	۱۷
۰,۰۰۰	۰,۳۵	۳۴	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	گروه ۱	گوبه
	۰,۶۵	۶۳	گروه ۲	۴۳		۰,۱۴	۱۴	گروه ۲	۱۸
۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۱,۰۰	۹۷	گروه ۱	گوبه
	۰,۲۹	۲۸	گروه ۲	۴۴					۱۹
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۸۷	۸۴	گروه ۱	گوبه
	۰,۲۲	۲۱	گروه ۲	۴۶		۰,۱۳	۱۳	گروه ۲	۲۰
۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	گروه ۱	گوبه
	۰,۱۴	۱۴	گروه ۲	۴۸		۰,۱۴	۱۴	گروه ۲	۲۲
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	گروه ۱	گوبه	۱,۰۰۰	۰,۴۹	۴۸	گروه ۱	گوبه
	۰,۲۲	۲۱	گروه ۲	۴۹		۰,۵۱	۴۹	گروه ۲	۲۳
۰,۰۰۰	۰,۶۴	۶۲	گروه ۱	گوبه	۰,۰۰۰	۰,۸۴	۸۱	گروه ۱	گوبه
	۰,۳۶	۳۵	گروه ۲	۵۰		۰,۱۶	۱۶	گروه ۲	۲۴
					۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	گروه ۱	گوبه
						۰,۲۲	۲۱	گروه ۲	۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی، مدل اندازه‌گیری و ساختاری به همراه مقادیر ضرایب معناداری  
منبع: یافته‌های پژوهش

مدل مفهومی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس سنجیده شده‌اند. شکل ۲، مدل متفاوت پژوهش را در حالت قدرمطلق ضرایب معناداری نشان می‌دهد. درواقع، این مدل تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری (ضرایب مسیر) را با استفاده از آماره  $t$ ، آزمون می‌کند. طبق این مدل اگر مقدار آماره  $t$  برای مسیرها بزرگتر از ۱٫۹۶ شود، ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و اگر مقدار آماره  $t$  برای مسیرها کمتر از ۱٫۹۶ باشد، در نتیجه بار عاملی یا ضریب مسیر معنادار نیست. همچنین اگر مقدار آماره  $t$  بیشتر از ۲٫۵۸ شود، در این صورت ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. شاخص‌های برازش مدل، یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این شاخص‌ها برای پاسخ بدین پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده داده‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند؟ برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری و سازگاری درونی گویه‌های سنجش،

باید به ضرابی چون ضریب آلفای کرونیباخ، پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده دقت کرد که داده‌های مربوطه در جدول شماره ۲ ارائه شده است. شاخصی که برای ارزیابی کلی مدل ساختاری در نرم‌افزار پی‌ال‌اس از آن استفاده می‌شود؛ شاخص GOF است. این شاخص با گرفتن ریشه مجذور از متوسط اشتراک برای همه سازه‌ها و متوسط R2 مربوط به سازه‌های دورن‌زا محاسبه می‌شود. بر مبنای اندازه مشخص شده از R2 و با استفاده از ارزش حداقلی ۰,۵ برای میزان اشتراک، معیار GOF با توجه به نمونه، مقدار ۰,۲۵ پذیرفتنی است و مقادیر بالاتر از ۰,۳۶ بیانگر برازش قوی مدل است (Wetzels et al., 2009). مقدار محاسبه شده GOF برای مدل پژوهش، ۰,۵۲۱ است که بر برازش بسیار بالای مدل دلالت دارد.

اکنون پس از استخراج تحلیل عاملی تأییدی، می‌توان به آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش پرداخت. فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های درون‌زایی و توجه به سرمایه انسانی در سطح اطمینان ۰,۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱۳,۹۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۸۶۰ است. فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۰,۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۲,۱۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۱۹۶ است. فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه درون‌زایی و تولید دانش در سطح اطمینان ۰,۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۲,۸۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۳۸۶ است. فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه تولید دانش و به‌کارگیری دانش در سطح اطمینان ۰,۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱,۹۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۳۵۷ است. فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه به‌کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۰,۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۷,۸۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۴۹۴ است. فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش در سطح اطمینان ۰,۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۹,۵۳ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۵۶۲ است. فرضیه هفتم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری در سطح اطمینان ۰,۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۴,۷۵ است که

نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۵۱۵ است. فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه اشتراک دانش و برون‌نگری در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱۶,۸۰ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۷۰۶ است. فرضیه نهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۵,۰۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۷۹۰ است. فرضیه دهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های برون‌نگری و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۲,۲۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۱۲۹ است. فرضیه یازدهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱۰,۸۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۸۰۴ است. در جدول شماره ۸ خلاصه نتایج فرضیه‌ها ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج حاصل از یافته‌های مدل ساختاری پژوهش

شماره فرضیه	فرضیات مدل مفهومی	ضریب مسیر	خطای استاندارد	مقدار T-Value	مقدار P-Value	نتیجه
۱	درون‌زایی -> توجه به سرمایه‌های انسانی	۰,۸۶۰	۰/۰۲۱	۱۳/۹۸	۰/۰۰۰	تأیید
۲	توجه به سرمایه‌های انسانی -> اقتصاد دانش‌بنیان	۰,۱۹۶	۰/۰۹۰	۲/۱۶	۰/۰۰۰	تأیید
۳	درون‌زایی -> تولید دانش	۰,۳۸۶	۰/۱۴۴	۲/۸۶	۰/۰۰۰	تأیید
۴	تولید دانش -> بکارگیری دانش	۰,۳۵۷	۰/۱۸۱	۱/۹۶	۰/۰۰۰	تأیید
۵	بکارگیری دانش -> اقتصاد دانش‌بنیان	۰,۴۹۴	۰/۰۶۳	۷/۸۸	۰/۰۰۰	تأیید
۶	تولید دانش -> اشتراک دانش	۰,۵۶۲	۰/۰۵۹	۹/۵۳	۰/۰۰۰	تأیید

تأیید	۰/۰۰۰	۴/۷۵	۰/۲۳۸	۰,۵۱۵	اشتراک دانش -> انعطاف پذیری اقتصادی	۷
تأیید	۰/۰۰۰	۱۶/۸۰	۰/۰۴۲	۰,۷۰۶	اشتراک دانش -> برون‌نگری	۸
تأیید	۰/۰۰۰	۵/۰۸	۰/۰۶۰	۰,۷۹۰	انعطاف پذیری اقتصادی -> اقتصاد دانش‌بنیان	۹
تأیید	۰/۰۰۰	۲/۲۸	۰/۰۵۶	۰,۱۲۹	برون‌نگری -> اقتصاد دانش‌بنیان	۱۰
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۸۶	۰/۰۲۵	۰,۸۰۴	اقتصاد دانش‌بنیان -> توسعه پایدار	۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب تعیین، میزان تبیین واریانس یا تغییرات متغیر وابسته توسط مجموعه متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد، که در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

## جدول ۹. ضرایب تعیین متغیرهای مدل

ضریب تعیین	متغیر
۰/۲۴۹	تولید دانش
۰/۳۰۸	اشتراک دانش
۰/۲۱۸	به‌کارگیری دانش
۰/۴۹۴	برون‌نگری
۰/۲۵۶	درون‌زایی
۰/۸۲۲	اقتصاد دانش‌بنیان
۰/۷۳۷	توجه به سرمایه انسانی
۰/۶۴۳	توسعه پایدار
۰/۲۵۸	انعطاف‌پذیری

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها است. نتیجه حاصل از فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های درون‌زایی و توجه به سرمایه انسانی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اگر در بانک انصار به منابع انسانی توجه شود و منابع انسانی را در مسائل مشارکت داد در نهایت نیروی انسانی در صحنه محکم‌تر از همیشه حاضر خواهد شد و از دانش و توان خود استفاده به عمل خواهد آورد که مسئله تأثیر بسیار قابل‌توجهی بر درون‌زایی خواهد گذاشت. نتیجه حاصل از فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به اینکه نیروی انسانی و سرمایه‌ی انسانی بانک انصار مهم‌ترین نقش را در موفقیت یا ناکامی آن دارد و از طرفی کسب‌وکارهای نوپا و شرکت‌های دانش‌بنیان تأثیر مستقیمی به رشد اقتصاد دانش‌بنیان دارند توجه کافی به جذب صحیح و تیم‌سازی مناسب می‌تواند علایق، انگیزه‌ها و توانمندی‌های کارکنان را در مسیر ارزش‌آفرینی برای بانک قرار دهد. نتیجه حاصل از فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه درون‌زایی و تولید دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اگر

در بانک انصار شاخص درون‌زایی افزایش یابد آن‌گاه می‌توان انتظار داشت که تولید دانش نیز افزایش یابد؛ زیرا یکی از اثرات درون‌زا بودن، تولید دانش است. بانک انصار که با توجه به منابع و امکانات موجود عمل کرده و بر اساس داشته‌های خود فعالیت می‌کند موجبات تولید دانش و راهکارهای نوین در تولید و فعالیت خود را فراهم می‌سازند. درون‌زایی موجب می‌شود که براساس منابع موجود در این بانک و یا شرکت دانش نوین بر همین منوال تولید گردد. نتیجه حاصل از فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه تولید دانش و به‌کارگیری دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. تولید دانش در صورتی که در بانک انصار درست سازمان‌دهی شود موجبات به‌کارگیری، توسعه و پیشرفت بانک را فراهم می‌کند و به همین جهت تولید دانش و به‌کارگیری دانش رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند. نتیجه حاصل از فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه به‌کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به‌کارگیری درست از دانش کسب شده در بانک انصار باعث رشد و توسعه می‌شود و دانش را در مسیر تبدیل به ثروت قرار می‌دهد که این همان تعبیر ساده‌ی اقتصاد دانش‌بنیان است و نشان‌دهنده‌ی رابطه به‌کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان است. نتیجه حاصل از فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با افزایش تولید دانش در بانک انصار به شرط فراهم‌سازی بستری مناسب برای دسترسی همگان به دانش تولید شده اشتراک دانش نیز افزایش خواهد یافت و این دو با هم دو رکن اساسی دست‌یابی به سیاست‌های مدیریت دانش هستند. نتیجه حاصل از فرضیه هفتم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به اینکه انعطاف‌پذیری موجب تغییر موقعیت بانک انصار در شرایط مختلف توسط تغییر برنامه‌های خود و یا کنار گذاشتن راهبردهای فعلی شرکت می‌شود پس انعطاف‌پذیری برای حرکت در مسیر درست با اشتراک دانش به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مدیریت دانش به شمار می‌رود. نتیجه حاصل از فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه اشتراک دانش و برون‌نگری رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اشتراک دانش درون بانک انصار باعث رشد دانش نیروی انسانی و به طبع آن باعث رشد و توسعه‌ی بانک می‌شود که به‌موجب آن برون‌نگری را برای این بانک به همراه دارد. نتیجه حاصل از فرضیه نهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. انعطاف‌پذیری به معنای تطبیق سریع اقتصاد بانک انصار با شرایط مختلف است به‌گونه‌ای که بانک بتواند در مقابل شوک‌های منفی مقاومت کند و در شرایط جدید مستقر شود و همچنین از شوک‌های مثبت بیرونی بتواند به خوبی به نفع خود استفاده کند از جمله شک‌های اقتصادی منفی به‌عنوان مثال می‌توان تحریم‌ها را مثال زد که در شرایطی که اقتصاد دانش‌بنیان حاکم باشد موجب

می‌شود تا بانک از خود انعطاف نشان دهد و با دانش نهادینه شده در بانک بتواند تأثیرات منفی و گاه مخرب تحریم را دفع کند. نتیجه حاصل از فرضیه دهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های برون‌نگری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بسط و گسترش همکاری‌ها و تبادلات اقتصادی با کشورها و بررسی، شناسایی و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی موجود برای صادرات به سایر کشورها مستلزم داشتن تکنولوژی‌ها و خدمات به‌روز در زمینه‌های مورد نیاز است که لازمه‌ی آنها توجه و شکوفایی در اقتصاد دانش‌بنیان است. نتیجه حاصل از فرضیه یازدهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری برقرار است. باتوجه به این که توسعه پایدار بنا به تعریف باید متضمن دستیابی به تولید سرانه بالاتر، اصلاح الگوی توزیع درآمد و بهبود محیط‌زیست باشد به این ترتیب دانش به‌عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی و کسب کارهای نوپا و دانش‌بنیان قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش‌افزوده می‌شود که این امر می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار گردد. بنابراین باتوجه به پیشرفت و توسعه بسیار در زمینه نرم‌افزارهای مدیریت دانش در عصر اخیر و وجود سیستم‌هایی که تحت وب هستند و می‌توانند مدیریت دانش را در سازمان نهادینه کنند مورد استفاده قرار گیرند تا سازمان‌ها بتوانند در آموزش کارکنان و اشتراک دانش سازمانی در میان آنها چابک عمل کنند. با توجه به جدید بودن بررسی اثر مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های کشور مقالات علمی محدودی در این زمینه موجود بودند و به همین جهت پیشینه ضعیفی برای این پژوهش در سطح کشور ثبت شده بود. از طرفی زیرساخت درستی برای جمع‌آوری داده‌ها از بانک وجود نداشت.

## منابع

۱. استیری، مجید (۱۳۹۷). بررسی تأثیر و نقش فناوری اطلاعات و توسعه مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: فعالان اقتصادی بسیج سازندگی در استان خراسان رضوی)، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۱۲، صص ۳۷۴-۳۵۱.
۲. اسدی، علی (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره دوم، شماره ۵، صص ۳۹-۲۵.
۳. باقری، رضا و تقوی، مسعود (۱۳۹۳). بررسی نقش صنعت نفت، گاز و انرژی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، دومین کنفرانس بین‌المللی تحریم‌های اقتصادی.
۴. تازی، فتح‌اله و کاویانی، زهرا (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۶-۹.
۵. جعفری، مصطفی؛ اخوان، پیمان و اختری، مریم (۱۳۹۰). مدیریت دانش (نگاهی جامع بر ابزارها و تکنیک‌ها). چاپ اول، تهران: درسا.
۶. جهرمی، تراب‌زاده؛ سجادی، سیدعلیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبنتی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۴۶-۳۱.
۷. حجازی‌نیا، رویا (۱۳۹۵). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت مدیریت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه رشد فناوری، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۲۰-۱۲.
۸. حسین‌پور، داود و صدیقی، رامین (۱۳۹۷). بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی، مدیریت توسعه و تحول، شماره ۳۴، صص ۴۱-۲۵.
۹. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی؛ راه‌کاری برای توسعه، فصلنامه مشکوه، شماره ۱۱۸، صص ۱۳۸-۱۵.
۱۰. حسین‌زاده یزدی، سیدسعید و نباتی پابندی، بهنام (۱۳۹۷). بررسی نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربای ایران، در تحقق اهداف بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۹۴-۷۱.
۱۱. حسینی علائی، سیدرضا و نیلچی، مسلم (۱۳۹۷). بررسی نقش بانکداری اسلامی در اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۶۴-۱۴۵.

۱۲. خالقی، محمدجواد (۱۳۹۵). نقش نظام بانکی در تحقق اقتصاد مقاومتی، پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۶، صص ۴۶-۵۶.
۱۳. خانباشی، محمد (۱۳۹۳). رویکرد فرهنگی - اجتماعی به مفهوم اقتصاد مقاومتی، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۷۱، صص ۴-۱۷.
۱۴. سیف، اله مراد (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا. ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۸۹-۱۱۵.
۱۵. شامی زنجانی، مهدی و نوری، مژگان (۱۳۹۴). مدیریت دانش چابک: راهنمای عملی پیاده‌سازی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. شعبانی، احمد و عبدالملک، حجت‌اله (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی دانش‌پایه: مبانی نظری، تجربیات و الزامات سیاست‌گذاری. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۷.
۱۷. فخرپور، سیدحسین؛ خوش سپهر، زهرا و ملکی، محمد حسن (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در سازمان‌ها با به‌کارگیری نظریه شکست‌ناپذیری، اندیشه مدیریت راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۵۲.
۱۸. فشارکی، سیدجواد و پورعبدی، سمیه (۱۳۹۳). تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، اصفهان، علم آفرین.
۱۹. فشاری، مجید (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶، صص ۲۹-۴۰.
۲۰. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۴۹-۷۶.
۲۱. وثوقی نیری، عبدالله و مرادی آیدیشه، شعبان (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی عامل اصلی در ارتقای بهره‌وری، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، صص ۳۰۴-۳۲۱.
۲۲. هاشمی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۹۷). شناسایی و طبقه‌بندی عوامل توسعه داشبورد سازمانی با منطق هوش تجاری جهت ارزیابی راهبردهای اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۰، صص ۴۵-۶۳.

۲۳. هزاوئی، سیدمرتضی و زیرکی حیدری، علی (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۲۶-۹.
24. Al-Zayyat, A. N., Al-Khaldi, F., Tadros, I., & Al-Edwan, G. (2010). The effect of knowledge management processes on project management. *IBIMA Business Review*.
25. Anisimova, T. (2016). The effects of corporate brand symbolism on consumer satisfaction and loyalty: evidence from Australia. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*.
26. Ashby, J., Cox, D., McInroy, N., & Southworth, D. (2008). Delivering economic success: an international perspective on local government as stewards of local economic resilience. *Norfolk Trust*.
27. Biasutti, M., & Heba, E. D. (2012). Using Wiki in teacher education: Impact on knowledge management processes and student satisfaction. *Computers & Education*, 59(3), 861-872.
28. Briguglio, L., & Piccinino, S. (2009). Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession.
29. Byrne, B. M. (2013). Structural equation modeling with LISREL, PRELIS, and SIMPLIS: Basic concepts, applications, and programming. Psychology Press.
30. Cao, Y., & Xiang, Y. (2012). The impact of knowledge governance on knowledge sharing. *Management Decision*, 50(4), 591-610.
31. Chen, Z., & Xu, X. (2009). Study on construction of knowledge management system based on enhancing core competence of industrial clusters. *International Journal of Business and Management*, 5(3), 217.
32. Claver-Cortes, E., Zaragoza-Saez, P., & Pertusa-Ortega, E. (2007). Organizational structure features supporting knowledge management processes. *Journal of Knowledge Management*, 11(4), 45-57.
33. Dahlman & Anderson. (2000). Korea and Knowledge- Based Economy. Making the Transition, World Bank Institute.
34. Dolatabadi, H. R. (2015). Analysis of the Impact of Government and Resistive Economy on the Purchase of Iranian Goods. *International Journal of Resistive Economics*, 3(1), 82-89.
35. Donate, M. J., & de Pablo, J. D. S. (2015). The role of knowledge-oriented leadership in knowledge management practices and innovation. *Journal of Business Research*, 68(2), 360-370.

36. Douglass, M. (2013). Globalization and the Pacific Asia Crises: Toward Economic Resilience through Livable Cities. *Asian Geographer*, 19: 1-2, 119-137.
37. Fernandez, I., & Sabherwal, R. (2014). *Knowledge management: Systems and processes*. Routledge.
38. Hsiao, Y. C., Chen, C. J., & Chang, S. C. (2011). Knowledge management capacity and organizational performance: the social interaction view. *International Journal of Manpower*, 32(5/6), 645-660.
39. Kakabadse, N. K., Kakabadse, A., & Kouzmin, A. (2003). Reviewing the knowledge management literature: towards a taxonomy. *Journal of knowledge management*, 7(4), 75-91.
40. Li, y. H. (2008). Entrepreneurial orientation & firm performance: The role of knowledge creation process. *Industrial Marketing Management*.
41. Lindner, F., & Wald, A. (2011). Success factors of knowledge management in temporary organizations. *International Journal of project management*, 29(7), 877-888.
42. Modica, M., & Reggiani, A. (2015). Spatial economic resilience: overview and perspectives. *Networks and Spatial Economics*, 15(2), 211-233.
43. Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The Knowledge Creating*. New York.
44. Pant, R., Barker, K., & Zobel, C. W. (2014). Static and dynamic metrics of economic resilience for interdependent infrastructure and industry sectors. *Reliability Engineering & System Safety*, 125, 92-102.
45. Quintane, E., Mitch Casselman, R., Sebastian Reiche, B., & Nylund, P. A. (2011). Innovation as a knowledge-based outcome. *Journal of knowledge management*, 15(6), 928-947.
46. Salehi, M., Moradkhannejad, R., & Safari, K. (2012). How knowledge management is affected by organizational structure. *The learning organization*, 19(6), 518-528.
47. Schroeder, A., Pauleen, D., & Huff, S. (2012). KM governance: the mechanisms for guiding and controlling KM programs. *Journal of Knowledge Management*, 16(1), 3-21.
48. Smith. (2002). What is the Knowledge Economy? Knowledge Intensity and Distributed Knowledge Bases. The United Nations University, Institute for New Technologies, UNU/INTECH Discussion Papers. ISSN 1564-8370.

- 
49. Wang, C. C., & Wu, A. (2016). Geographical FDI knowledge spillover and innovation of indigenous firms in China. *International business review*, 25(4), 895-906.
  50. Wetzels, M; Odekerken-Schroder, G., & Oppen, C. (2009).50. Using PLS Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration. *Management Information Systems Quarterly*. 33(1), 98-120.

